

بررسی متون بازمانده از آن دوره‌ها حاصل می‌شود. این متن‌ها، قاعدتاً و بنا بر تعریف، «گونه نوشتاری» زبان دوره خود را بازنمایی می‌کنند. گونه گفتاری قدیم نوعاً خاموش و تاریک است، زیرا صورت‌های عینی آن (Utterance) به سبب ماهیت آوایشان از بین رفته و به دست ما نرسیده‌اند. با این حال، درباره گونه محاوره‌ای قدیم فارسی، از چند مسیر می‌توان اطلاعاتی به دست آورد.

یکی از منابع تحقیق در این موضوع، متون کم‌تعدادی است که به سبب نوع محتوا یا محدوده خاص مخاطبان و چه بسا وضعیت نویسند، برخی ویژگی‌های گونه محاوره‌ای زبان مکان و زمانه نگارش اثر را باز می‌نماید؛ مانند بعضی قصه‌های عامیانه (مشهورترین آنها سمک عیار) و برخی آثار صوفیانه از نوع «مقامات»ها.

نوع دیگری از منابع که اطلاعاتی درباره گونه محاوره‌ای قدیم زبان از آنها به دست می‌آید، برخی از کتاب‌ها و رسالات زبان‌شناسانه قدیم، مانند الخصایص ابن جتنی، یا بخش‌هایی از بعضی آثار علمی است که در آنها به عللی به تبیین ویژگی‌های آوایی زبان پرداخته شده است؛ مانند فصل اول از فن اول کتاب معیار الاشعار. علاوه بر اینها، در کتاب‌های منطق نیز، از آن رو که اجزای قضایای منطقی بر مبنای اجزای زبان شکل می‌گیرند، گاه اطلاعاتی درباره زبان عرضه می‌شود.

یکی از نمونه‌های این اطلاعات، که در نوع خود کم‌نظیر و مغتنم است، خبری است درباره تلفظ فعل ربطی «است» در گونه محاوره‌ای زبان فارسی قدیم، که در کتاب منطقی اساس الاقتباس مندرج است. موضوع مقالت سوم این کتاب «عبارات» است و فن اول از این مقالت در «معرفت اقوال جازمه و احوال انواع و اصناف قضایا» و فصل دوم از این فن در «تعیین قول جازم و چگونگی تألیف از الفاظ مفرده». در این مبحث، در تعریف «قضیه»، به ضرورت عنصر «تألیف» برای شکل‌گیری آن اشاره شده و آنگاه ماهیت و هیأت تألیف بیان شده است. قولی (جمله‌ای) را که مشتمل بر خبری باشد قضیه می‌نامند و ساده‌ترین صورت آن حاصل رابطه‌ای بین دو لفظ است، که یکی مخبر عنه و دیگری مخبر به است. تألیف رابطه و نسبت بین این دو لفظ است. هیأت تألیف نیز انواعی دارد:

## گونه گفتاری (شکسته) فعل ربطی «است» در فارسی قدیم

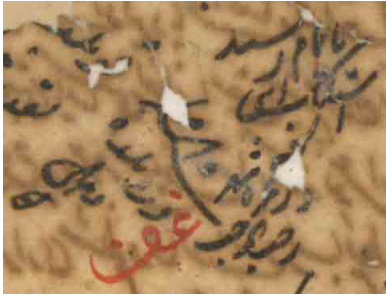
مهدی کمالی

استادیار فرهنگستان زبان و ادب فارسی  
mehdikamali1970@yahoo.com

در اغلب زبان‌هایی که گونه نوشتاری دارند، تفاوت‌هایی بین این گونه و گونه گفتاری وجود دارد. این تفاوت‌ها ممکن است مربوط به هریک از لایه‌های زبان، اعم از معنایی و نحوی و صرفی و آوایی باشد. همچنین زبان‌ها، در گذر زمان، در همه لایه‌ها، متحول می‌شوند و زبان بر مبنای این دگرگونی‌ها، به گونه‌های مختلف تاریخی تقسیم می‌شود. علاوه بر این، زبانی که در منطقه جغرافیایی گسترده‌ای تداول دارد، معمولاً در همه نواحی منطقه رواج خود به صورت کاملاً یکسان به کار نمی‌رود و تفاوت‌هایی در گفتار گویشوران آن نواحی مختلف وجود دارد، که ملاک تقسیم‌بندی زبان به گونه‌های مکانی (لهجه‌ها) است. گاه یکی از این گونه‌ها، معمولاً به دلایلی غیرزبانی (سیاسی، اجتماعی...)، به نسبت گونه‌های دیگر، اصلی و رسمی محسوب می‌شود (رک. باطنی، ۱۳۷۰: ۸-۱۱).

اهل هر زبان (کاربران آن) گونه گفتاری زبان ناحیه و دوره خود را در مسیر «فراگیری زبان» (Acquisition) می‌آموزند و نسبت به آن «شم» پیدا می‌کنند، و گروهی نیز که وارد مرحله تحصیلات رسمی و سوادآموزی و «یادگیری زبان» (Learning) می‌شوند، که امروزه بیشتر مردم از این گروه‌ها هستند، گونه نوشتاری رسمی زبان‌شان را نیز به همراه مقداری دانش زبانی می‌آموزند (رک. CRYSTAL, 2008: 8).

اما شناخت گونه قدیم زبان عمدتاً از مسیر مطالعه و



تصویر ۱: نسخه شماره ۱۰۵۳۶، کتابت ۱۰۵۸۰، ق، گ، ۲۰۱ پ.

ظاهراً کاتب که اصالتاً اهل مناطق مرکزی ایران و در آن زمان ساکن هند بوده است، برای نشان دادن تلفظ مناطق مختلف، هر دو مصوت کسره و فتحه را در ازای فعل ربطی ثبت کرده است و از این قرار می‌توان گفت در قرن یازدهم در مناطق مختلف، هر یک از این دو صورت در منطقه‌ای رواج داشته است. اما خوشبختانه برای تلفظ قدیم‌تر گونه محاوره‌ای فعل ربطی در زبان فارسی منبع دیگری هم وجود دارد و آن کتاب معظم شفای ابن سیناست. در واقع اساس الاقتباس ترجمه‌ای نسبتاً آزاد از بخش منطق کتاب شفاست و مبحثی که به آن استناد شد نیز ترجمه این جملات است که در فن سوم از بخش منطق کتاب شفا آمده است:

و أما لغة الفرس فلا تستعمل القضايا خالية عن دلالة علی هذه النسبة إما بلفظ مفرد، كقولهم «فلان جنين [= جنين] هست» أو «هی» أو «هو»، و إما بحركة كقولهم «فلان جنين» و يفتحون النون من «جنين» فتكون الفتحة دالة علی أن «جنين» محمول علی «فلان». (ابن سینا، ۱۳۷۱ ق: ۳۹-۴۰)

چنانکه ملاحظه می‌شود، در این کتاب که در اوایل قرن پنجم قمری نوشته شده است، تصریح شده که در زبان فارسی مفهوم رابطه را می‌توان با مصوت فتحه در پایان جمله بیان کرد.

به نظر می‌رسد بتوان نتیجه گرفت که ماهیت آوایی این گونه گفتاری از فعل «است»، در قرن پنجم در بیشتر یا همه مناطق رواج زبان فارسی فتحه بوده است و در حدود قرن یازدهم در بیشتر مناطق به کسره بدل شده بوده است و این البته با دیگر تحولات آوایی شناخته شده این زبان در طول این ششصد سال هم‌جهت است.

#### منابع

- ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲ م). شفا. تصدیق و مراجعة: ابراهیم مدکور؛ تحقیق: الأب قنوتی، محمود

گاه بود که به‌ازاء آن تألیف، در لفظ اداتی وضع کنند که دال بر تألیف بود و آن را رابطه خوانند؛ و باشد نیز که در بعضی لغات، به‌محض تجرد از ادوات یا به‌قرائن معنوی، بر بعضی تألیفات دلیل سازند. مثال اول، لفظ «است» در پارسی در این قضیه که «زید دبیر است» یا حرکت راء «دبیر» در بعضی لغات عجم که گویند «زید دبیر»<sup>۱</sup>. (نصیرالدین طوسی، ۱۳۲۶: ۶۵)

بنا بر این اطلاع، در برخی از گونه‌های غیررسمی زبان فارسی (لغات عجم)، به‌جای فعل «است»، در پایان جمله ربطی یک مصوت کوتاه (حرکه) تلفظ می‌شده است. اما ماهیت این مصوت چیست؟

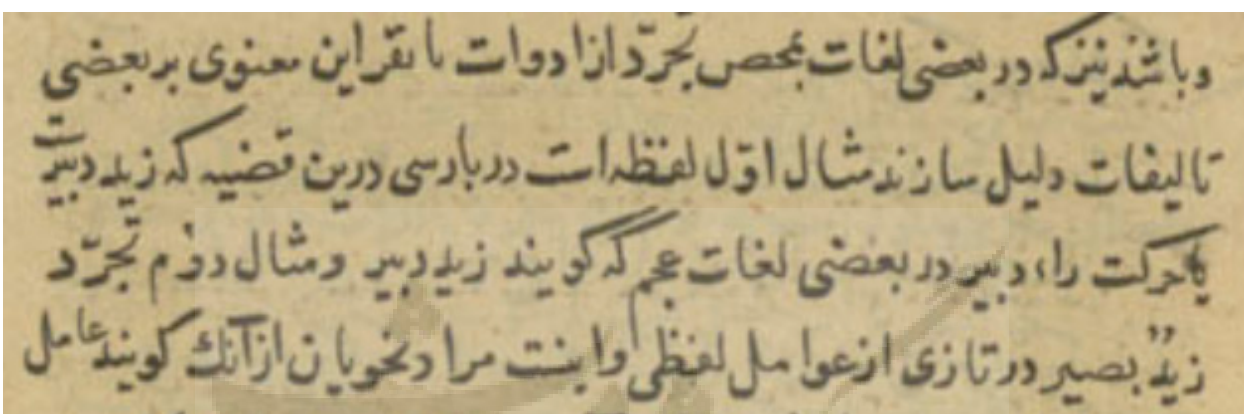
در نسخه چاپی کتاب، به تصحیح مدرس رضوی، یک نشانه کسره پیش از حرف «ر» و تقریباً زیر «ی» گذاشته شده است، که ظاهراً محل قرار گرفتن آن اشتباه چاپی است و می‌بایست زیر «ر» باشد. اما اساساً این ضبط چه مقدار اصالت دارد؟

قدیم‌ترین نسخه خطی شناخته شده از اساس الاقتباس در سال ۸۴۳ ق کتابت شده است. در این نسخه، چنانکه در تصویر آن ملاحظه می‌شود، کلمه مورد بحث فاقد نشانه مصوت کوتاه است (نک. ت. ۲). اما در سه نسخه از این کتاب که در قرن ۱۱ ق تحریر شده است (شماره‌های ۴۹۳۴ و ۳۷۸۳ و ۳۵۷ ط کتابخانه مجلس)، آشکارا در زیر حرف پایانی کلمه «دبیر» نشانه کسره ثبت شده است. تصویر یکی از این نسخه‌ها در پایان مقاله ملاحظه می‌شود. (نک. ت. ۳). از اینجا می‌توان گفت در قرن یازدهم، در مناطقی که این نسخه‌ها کتابت شده‌اند، همچون امروز در اغلب مناطق ایران، فعل ربطی در گونه محاوره‌ای زبان فارسی به‌صورت کسره تلفظ می‌شده است.

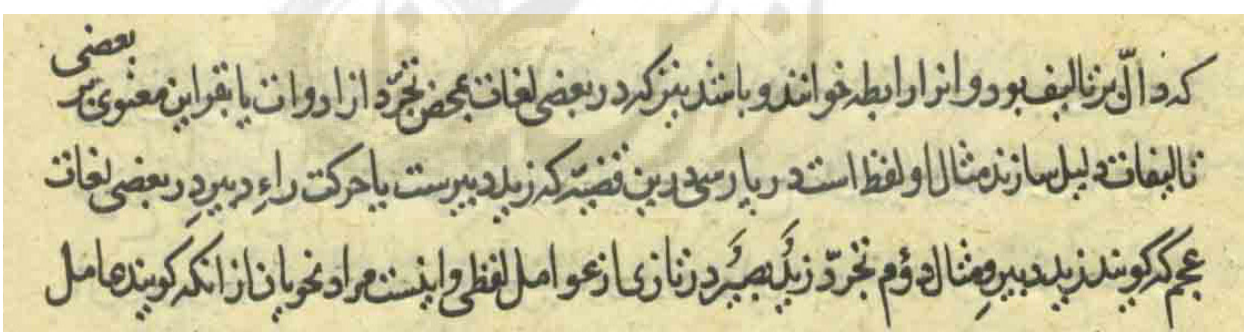
اما نکته در خور توجه این است که در نسخه‌ای دیگر متعلق به همین قرن، در کلمه مورد بحث، در زیر حرف «ر» نشانه کسره و بر بالای آن فتحه ثبت شده و کاتب در بالای این کلمه با ظرافت نوشته است: «معاً» (نک. ت. ۴). نام کاتب این نسخه، بنا بر آنچه در ابتدای آن ثبت شده، «محمدرضا القمی» است و ظاهراً، آنگونه که از یادداشت خاتمه آن می‌توان دریافت، نسخه در شهر دهلی هند استنساخ شده است (نک. ت. ۱).

۱. علامات سجاوندی از نگارنده است.

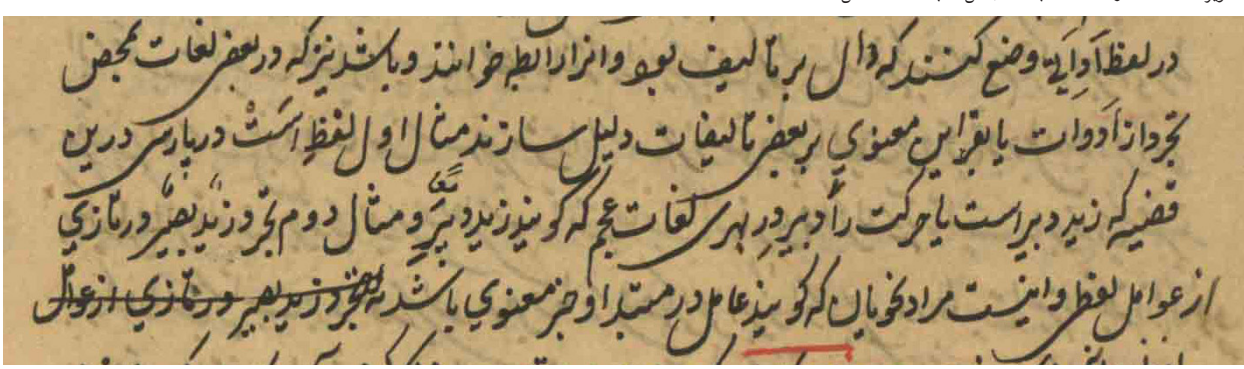
- خضیری، فؤاد الاخوانی. قاهرة: وزارة المعارف العمومیه (افست: منشورات مكتبة آيت الله العظمى المرعشى النجفى، قم، ۱۴۰۵ق، المنطق، ج ۱).
- باطنی، محمدرضا (۱۳۷۰). توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی. تهران: امیرکبیر.
- نصیرالدین طوسی، محمدبن محمد (۱۳۲۶). اساس الاقتباس. به تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ . اساس الاقتباس. نسخه شماره ۴۹۲۹ کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت: ۸۴۳ق.
- \_\_\_\_\_ . اساس الاقتباس. نسخه شماره ۴۹۳۴ کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت: ۱۰۶۵ق.
- \_\_\_\_\_ . اساس الاقتباس. نسخه شماره ۳۵۷ط کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت: ۱۰۶۸ق.
- \_\_\_\_\_ . اساس الاقتباس. نسخه شماره ۳۷۸۳ کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت: ۱۰۷۵ق.
- \_\_\_\_\_ . اساس الاقتباس. نسخه شماره ۱۰۵۳۶ کتابخانه مجلس، تاریخ کتابت: ۱۰۸۰ق.
- Crystal, David, a dictionary of linguistics and phonetics, Blackwell, 2008.



تصویر ۲: نسخه شماره ۴۹۲۹ کتابخانه مجلس؛ گ ۲۹پ.



تصویر ۳: نسخه شماره ۳۵۷ط کتابخانه مجلس، کتابت ۱۰۶۸ق، ص ۲۳.



تصویر ۴: نسخه شماره ۱۰۵۳۶، کتابت ۱۰۸۰ق، گ ۲۰ر.